

ضمانت اجرای کیفری اشخاص حقوقی در نظام‌های کیفری آمریکا و ایران

امین نیکومنظری^۱

چکیده

نظام کیفری آمریکا به عنوان یکی از پیش‌گامان شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، می‌تواند الگوی موافقی برای دیگر نظام‌های کیفری باشد. ارائه ضمانت اجرای مناسب با شخص حقوقی و ارائه راهکار جهت تعیین دقیق هر یک از این ضمانت اجراها، از جمله ویژگی‌های نظام حقوقی آمریکا است. نوشتار حاضر با رویکرد تحلیلی توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به معرفی و ارزیابی ضمانت اجرای کیفری در آمریکا می‌پردازد و با نگاهی تطبیقی، خلأهای تقنینی در حقوق ایران را مورد توجه قرار می‌دهد. تحلیل ضمانت اجرای موجود در زرادخانه کیفری آمریکا حکایت از این دارد که آن‌ها به اعتبار گونه‌های اشخاص حقوقی، نوع فعالیت در پیش‌گرفته، درجه خطر، گردش مالی سالانه و نیز ابعاد ایراد آسیب بر بزه‌دیده، تضمین‌هایی را در سه دسته جبرانی، تنبیهی و پیشگیرانه گنجانده‌اند تا به انضمام رهنمودهای تعیین کیفر، هدف‌های سزاگرا و پیامدگرای نظام عدالت کیفری را به شکلی مطلوب تأمین کند. در نظام حقوقی ایران به‌رغم تنوع ضمانت اجرای کیفری، دسته‌بندی مناسبی از ضمانت اجرای اشخاص حقوقی ارائه نشده است. الگوبرداری از نظام حقوقی آمریکا در برخی موارد می‌تواند به خلأهای تقنینی در این حوزه پایان دهد.

واژگان کلیدی: اشخاص حقوقی، حقوق کیفری آمریکا، ضمانت اجرای جبرانی، ضمانت اجرای تنبیهی، ضمانت اجرای پیشگیرانه.

۱. دکتری حقوق، قاضی دادگستری

درآمد

مجازات اشخاص حقوقی^۱ از دیرباز یکی از دلایل مخالفان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بوده است. به رغم مخالفت‌های صورت گرفته تلاش بر این بود که با اجرای ضمانت اجراهای کیفری در مقابل رشد جرائم اشخاص حقوقی در کشورهای پیشرفته گرفته شود. در ابتدا با تاکید بر این که این اشخاص نه موجوداتی فرضی و خیالی، بلکه موجود اعتباری هستند و این امر فضا و بستر مناسبی برای شناسایی مجازات‌های متناسب با اشخاص حقوقی را در پی دارد. در ابتدا ضمانت اجراهای مدنی پاسخی مناسب برای این اشخاص به شمار می‌رفت، اما به مرور با گسترش نقض قوانین و مقررات از سوی اشخاص حقوقی و وقوع فجایع بزرگ اجتماعی، تعیین ضمانت اجراهای نوین متناسب با وضعیت این دسته از اشخاص در دستور کار نظام‌های حقوقی قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین ضمانت اجراها که در ابتدا به جهت سهل الوصول بودن آن و سپس به جهت هم‌سویی با مجازات اشخاص حقیقی، مورد توجه قرار گرفت، جریمه نقدی بود، اما با گذر زمان و روی کار آمدن مکاتب حقوقی و توجه بیشتر به حقوق بزه‌کار، نظام‌های مختلف حقوقی ضمانت اجراهای دیگری غیر از جزای نقدی را برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی کردند. از سال ۱۸۳۴ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مورد قبول دستگاه قضایی آمریکا قرار گرفت. پس از آن، تحمیل مسئولیت کیفری برای جرائم با ارتکاب فعل مثبت برای اول بار در پرونده راه آهن موريس صورت گرفت (Foerchler, 1990:1287). اتهام شرکت مذکور، ساخت راه آهن در تقاطع با یک شاه‌راه عمومی بود که برای عبور قطارها از راه آهن ایجاد مانع می‌کرد و در نهایت به رفع مانع و پرداخت خسارت^۲ محکوم شد. دو سال بعد

۱. به زعم صاحب نظران، سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی در قالب نهادی همچون شرکت‌های تجاری و انجام داد و ستد با این اشخاص به جای اشخاص حقیقی، از جلوه‌های اصلی اقتصاد و تجارت است (طباطبایی حصاری و صفی‌زاده، ۱۴۰۲: ۲۴۶). این مقاله صرفاً شرکت‌های واقعی را مورد بحث قرار می‌دهد و شرکت‌های به اصطلاح کاغذی موضوع بحث نیست.

۲. پرداخت خسارت و رفع مانع گویای این امر هست که حتی در نظام حقوقی آمریکا هر چند مسئولیت کیفری شخص حقوقی به عنوان کنش‌گران حقوق کیفری مورد پذیرش قرار گرفته است، اما تا تعیین ضمانت اجراهای کیفری متناسب با وضعیت شخص حقوقی، راه طولانی سپری شده و تا وضع قوانین جدید، استفاده از ضمانت اجراهای مدنی یکی از راه‌های مقابله با جرائم اشخاص حقوقی بوده است (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۲۴).

در پرونده معروف به پل بد فورد^۱ هم حکم مشابهی صادر گردید. با تدوین و پیشنهاد قانون مجازات نمونه^۲ در سال ۱۹۶۰، هر یک از ایالت‌های این کشور، آن را به عنوان یک متن نمونه مورد لحاظ قرار داده و به صورت ایالتی به تصویب رساندند (نصیری، ۱۳۹۵: ۵). نقش شرکت‌های تجاری و ارتکاب جرائمی چون جرائم سازمان‌یافته، کلاهبرداری، رشوه و تقلب در کسب و کار موجب رشد سریع قوانین و مقررات کیفری در آمریکا گردید و در سال ۱۹۸۴ تصویب قانون اصلاح محور کیفردهی و ایجاد کمیسیون تعیین کیفر اشخاص حقوقی، نقطه عطفی در مسئولیت کیفری و ضمانت اجرای اشخاص حقوقی در نظام حقوق کیفری آمریکا محسوب می‌شود (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۲۳). از این دوره به بعد و با وضع قانون جدید رویکردهای متفاوتی در نظام حقوقی آمریکا به وجود آمد. نظام حقوقی ایران در مورد مسئولیت کیفری شخص حقوقی، اقتباسی ناقص از حقوق فرانسه است و همان ضمانت اجرای نظام حقوقی فرانسه را با اندکی تغییر مورد توجه قرار داده است؛ بدون آن که دسته ندی خاصی از آن ارائه کند. عملکرد قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که با وضع چهار ماده در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، گستره‌ای از ضمانت اجرای کیفری را ارائه داد با ایرادهایی مواجه است؛ از این رو مطالعه نظام حقوقی آمریکا در این موضوع می‌تواند مؤثر واقع شود.

پرسش اصلی این نوشتار، مصادیق ضمانت اجرای کیفری در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا و نقاط قوت و ضعف هر یک است تا به یک سیاست جنایی تقنینی منسجم در زمینه اشخاص حقوقی نایل شویم. تبیین موارد پیش‌گفته، راهنمای خوبی برای نظام حقوقی ایران در اتخاذ یک سیاست جنایی تقنینی و قضایی منسجم در مقابل جرائم اشخاص حقوقی خواهد بود و در این راستا، ابتدا پیشینه نظری موضوع ارائه می‌شود و پس از آن، دسته‌بندی جرائم با ذکر مصادیق مورد نظر قرار می‌گیرد.

1. Proprietors of new Bedford bridge

2. Model penal code

۱. پیشینه و مبانی نظری

توجه به پیشینه و سیر تحولی قوانین و مقررات می‌تواند قانون‌گذار را در اصلاح، تجمیع و وضع قوانین آینده کمک نماید. نظام حقوقی آمریکا به لحاظ وسعت کشور و وجود ایالت‌های متعدد، نیازمند رهنمودهایی برای دادستان‌ها و قضات رسیدگی‌کننده به پرونده‌های کیفری بوده است. این رهنمودها در سال ۱۹۸۴ برای از بین بردن رویه مبهم گذشته تصویب شد و در مورد اشخاص حقوقی تغییرات زیادی را به وجود آورد. از این رو بررسی وضعیت قوانین و مقررات و رویه دادگاه‌ها پیش و پس از سال ۱۹۸۴، به روشن شدن مرزهای بحث کمک شایانی خواهد کرد.

۱-۱. دوره پیش از تصویب و انتشار رهنمودهای کیفر

کیفردهی غایت شناسایی و احراز مسئولیت کیفری شخص حقوقی و پس از مرحله پیگرد، دومین گام برای تحقق عدالت و ارتقاء کارکردهای بازدارندگی کیفری و نیز بازسازی مجرمان دارای شخصیت حقوقی است. پیش از انتشار رهنمودهای کیفردهی، برای صدور حکم متناسب نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی بزهکار در سطح فدرال، یک نظام کیفردهی نامعین وجود داشت؛ دادرسان تعیین کیفر دارای اختیارات وسیعی بودند و برای تعیین کیفر در این دوره حد و مرز مشخصی وجود نداشت؛ به طوری که اختلاف و ناهمگونی چشم‌گیری بین میزان مجازات‌ها در پرونده‌های مشابه دیده می‌شد (Norman, 2010: 967). از سوی دیگر، پیش از انتشار رهنمودهای کیفر، حصول هدف بازدارندگی برای اشخاص حقوقی ناکافی بوده است؛ زیرا مجازات‌های تعیینی به طور عمده حبس بوده که بر اشخاص حقوقی قابل اعمال نیست و جزای نقدی تعیین شده نیز بسیار اندک بوده است؛ به عنوان مثال، ارتکاب کلاهبرداری الکترونیکی فدرال علاوه بر مجازات حبس تا پنج سال، حداکثر جریمه‌ای به مبلغ هزار دلار برای شخص حقوقی در پی داشت؛ به طوری که در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴، تنها چهل و یک شرکت سهامی‌عام برای ارتکاب جرائم فدرال در سراسر ایالات متحده تحت پیگرد قرار گرفتند و جریمه نقدی وصول شده در این دوره قریب به چهل و هشت هزار دلار بود که این میزان جریمه مبین بی‌منفعت بودن پیگرد اشخاص حقوقی و شمار ناچیز چنین پیگردهایی در دوره مذکور است (نصیری،

۱۳۹۵: ۱۴۹).

در سال ۱۹۷۰ کنگره «قانون جامع کنترل جرم»^۱ را تصویب کرد که به موجب آن برای اشخاص حقیقی و حقوقی بزهکار که قانون مبارزه با اعمال نفوذ و فساد اشخاص درگیر در اخاذی^۲ و قانون مبارزه با فعالیت‌های مجرمانه مستمر^۳ را نقض نمایند، مجازات ضبط و مصادره تعیین شده است. کنگره در سال ۱۹۸۲ این مجازات را به دیگر جرم‌های فدرال از جمله کلاهبرداری رایانه‌ای و نیز اظهارات نادرست در راستای تقلب و کلاهبرداری مؤسسه مالی و تخلفات راجع به گزارش‌های ارزی و پول‌شویی تعمیم داد. در این دوره، افزون بر جزای نقدی و مصادره اموال که مورد اشاره قرار گرفت، تعلیق مراقبتی نیز به عنوان یک مجازات جایگزین در مورد اشخاص حقوقی اجرا می‌شده است. به لحاظ تاریخی می‌توان گفت قانون تعلیق مراقبتی فدرال^۴ تنها در مورد اشخاص حقیقی و نه حقوقی به کار رفته است؛ این بدان علت است که هدف از تعلیق مراقبتی در آن زمان مبتنی بر مدل بازپرورانه حبس بود که صرفاً با وضعیت اشخاص حقیقی تناسب داشت، ولی با توجه به روند رو به رشد اشخاص حقوقی از اوایل دهه هفتاد و ارتکاب جرائم از ناحیه آنان، دادگاه‌ها به استفاده از این نهاد ترغیب شدند و تعلیق مراقبتی به دو بخش مالی و غیر مالی^۵ قابل تقسیم بود. تعلیق مراقبتی غیر مالی در راستای هدف اصلاحی بازپرورانه نسبت به اشخاص حقوقی اعمال خواهد شد و به طور نامتناسبی شدید و سنگین نخواهد بود (Cohen, 1991: 20).

۲-۱. دوره پس از تصویب رهنمودهای کیفر

در سال ۱۹۸۴ کنگره «قانون اصلاح محور کیفردهی» را در پاسخ به رویه مبهم و نامتناسب حاکم بر مجازات‌ها از جمله مجازات‌های اشخاص حقوقی تصویب کرد.

1. The comprehensive crime control Act
2. The Racketeer influence and corrupt organization Act
3. The continuing criminal enterprise statute
4. The federal probation

۵. برای نمونه می‌توان به دعوای ایالات متحده علیه شرکت شیرینی‌پزی دانیلو اشاره کرد؛ متهم که یک شیرینی‌پزی عمده بود، به اتهام تبانی در قیمت‌ها محکوم شد و به عنوان یک شرط تعلیق مراقبتی، شرکت به عرضه مقادیر مشخصی از شیرینی‌های تولیدی خود به سازمان‌های اجتماع‌محور محکوم شد (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۲۳۴).

این سند را به عنوان کامل‌ترین قانون کیفردهی فدرال در این قرن که هدف اصلاح و بازپروری بزه‌کاران را تحقق می‌بخشد توصیف کرده‌اند (Ilene, Nagel, 1990:873). از جمله تغییرات بنیادین در این قانون، پیش‌بینی موضوع جرمه‌های نقدی اشخاص حقوقی است. قانون مذکور کمیسیون تعیین کیفر ایالات متحده را در راستای تحقق هدف رهنمودهای کیفردهی الزامی در سطح فدرال ایجاد نمود.^۱

در تعیین رهنمودهای کیفردهی اشخاص حقوقی، کمیسیون تعیین کیفر رویکردی با نام «بازدارندگی و مجازات عادلانه» یا «رویکرد هویج و چماق»^۲ را مصوب کرد. محور این رویکرد در درجات متغیر جرمه نقدی نهفته است که برای پاسخ به هر واقعیتی مربوط به جرم ارتكابی توسط یک شخص حقوقی از جمله این که، شخص حقوقی با توجه به آن واقعیت، پیش و حتی پس از فعالیت مجرمانه چقدر مسؤولانه عمل کرده است، در نظر گرفته می‌شود. چنین رهنمودهایی اجازه می‌دهد تا احکام کیفری و اجرای قضایی آن‌ها، دستیابی به بازدارندگی و مجازات عادلانه را بهتر تامین نماید (Abrams, 2010:983).^۳ کمیسیون به دو دلیل عمده چنین رویکردی را مورد پذیرش قرار داده است: نخست، کمیسیون بر این باور بود که معیار مسؤولیت (کارگر- کارفرما) به اندازه کافی تعیین کننده تقصیر شخص حقوقی نیست؛ به عبارت بهتر، از این معیار نمی‌توان میزان سرزنش‌پذیری رفتار شخص حقوقی را برداشت کرد؛ دوم، پذیرش رویکرد بازدارندگی و مجازات عادلانه با جبران خسارت از طریق اجرای قانون اصلاح محور کیفردهی، اشخاص حقوقی را به قانون‌مندی بیشتری ترغیب می‌کند.

۱. قانون مذکور کمیسیون تعیین کیفر را ملزم نمود که رهنمودها را به نحوی تدوین کند که به دادگاه‌ها کمک کند تا اهداف ذیل را محقق نمایند: نخست، توجه به شدت جرائم، ارتقاء رعایت قانون و برقراری مجازات عادلانه؛ دوم، تعیین مجازات‌هایی که از بازدارندگی کافی برخوردار است؛ سوم، حمایت از عموم مردم نسبت به جرم‌های دیگری که متهم می‌تواند مرتکب شود؛ چهارم، بازپروری متهم از طریق تدارک برنامه‌های آموزشی یا حرفه‌ای، مراقبت‌های پزشکی یا هر درمان دیگری که متهم را بتواند به بهترین نحو اصلاح نماید (Gruner, 1994: 430).

2. The carrot and stick approach

۳. قانون جرمه نقدی اشخاص حقوقی که پیش از تصویب قانون بسیار ناچیز بود را به نحو دقیقی اصلاح کرد و میزان جزای نقدی را تا پانصد هزار دلار افزایش داد و جرمه نقدی اشخاص حقوقی را به مراتب بیش از جزای نقدی اشخاص حقیقی تعیین کرد (نصیری، ۱۳۹۵: ۱۵۹).

۲. ضمانت اجرای مذکور در رهنمودهای کیفردهی

ضمانت اجرای مندرج در رهنمودهای کیفردهی در سه دسته طبقه‌بندی شده و مورد شناسایی قرار گرفته است: دسته نخست شامل ضمانت اجرای تنبیهی مانند تعیین جریمه نقدی، محرومیت شخص حقوقی از اموال و دارایی و ضبط و مصادره اموال است؛ دسته دوم، برخی ضمانت اجرای پیشگیرانه مانند تعلیق مراقبتی و انتشار حکم محکومیت را مورد نظر قرار می‌دهد؛ و دسته سوم مربوط به ضمانت اجرای جبرانی شامل پرداخت خسارت و خدمات اجتماع‌محور است. در این قسمت از نوشتار، هر سه دسته از ضمانت اجرای پیش‌گفته، مورد بحث قرار می‌گیرد و به فراخور بحث، به حقوق کیفری ایران نیز می‌پردازیم.

۱-۲. ضمانت اجرای تنبیهی

از آنجایی که بسیاری از ضمانت اجرای سنتی همچون اعدام، حبس، تبعید و شلاق، با طبع اشخاص حقوقی بیگانه‌اند و نسبت به آن‌ها قابلیت اجرا ندارند، لذا تنبیه در مفهوم سنتی آن به معنای آسیب بر جسم در مورد این اشخاص موضوعیت خود را از دست خواهد داد و ناگزیر باید از جایگزینی متناسب با وضعیت این دسته از اشخاص چون ضمانت اجرای مالی بهره گرفت که به نوعی یک تنبیه برای اشخاص حقوقی محسوب می‌گردد. این ضمانت اجراها که از سوی نظام کیفری با اقبال مواجه گردیده‌اند، در بازدارندگی اشخاص تجاری از ارتکاب جرم، اثربخش‌تر از سایر ضمانت اجراها نشان داده است (شریفی، ۱۳۹۴: ۲۸۳). ضمانت اجرای تنبیهی در نظام حقوق کیفری آمریکا صورت‌های گوناگونی دارند: جزای نقدی، مصادره اموال و محروم کردن شخص حقوقی از دسترسی به اموال خود که در رهنمودهای تعیین کیفر مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

۱-۱-۲. جزای نقدی^۱

جزای نقدی در زمره کیفرهای تعزیری است که برخلاف کیفرهای بدنی و سالب آزادی و حیثیت، هیچ‌گونه تعرضی به جسم و شخصیت معنوی و آزادی محکوم ندارد، بلکه نظر به مال وی داشته و اجرای آن، ایجاد نقصان در مال محکوم است (احمدی موحد، ۱۳۸۷: ۲۹۷). به عبارت بهتر، جزای نقدی یا جریمه که از

1. Fine

مهم‌ترین ضمانت اجراهای شخص حقوقی بوده، عبارت است از الزام محکوم به پرداخت وجه نقد به حساب دولت (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۷). جزای نقدی به دلایل متعددی مانند سرعت در وصول و اجرا، قابلیت درجه بندی و متناسب کردن با شدت جرم و تقصیر اشخاص حقوقی، عدم تحمیل هزینه به خزانه عمومی دولت، ایجاد درآمد برای دولت، توان بالای مالی اشخاص حقوقی در پرداخت جزای نقدی مورد اقبال در کلیه نظام های حقوقی از جمله آمریکا و ایران قرار گیرد (Clark, 2005: 34).

در نظام کیفری آمریکا تعیین جریمه اشخاص حقوقی^۱ با معیار دقیق‌تری نسبت به سایر نظام‌های حقوقی صورت می‌گیرد. دادگاه‌ها با توجه به رهنمودهای تعیین کیفر کمیسیون تعیین مجازات ایالات متحده، جریمه قابل اعمال بر اشخاص مزبور را طی پنج مرحله مشخص می‌کند. در مرحله نخست مبنای جریمه بر اساس سطح جرم مشخص می‌شود؛ به طوری که در مرحله دوم نمره یا سطح مجرمیت شخص حقوقی است که در محدوده یک تا ده تعیین می‌شود. البته دادگاه باید از نمره پنج شروع کند و با تکیه بر کیفیات مشدده‌ای مانند نقش پرسنل عالی‌رتبه در تحقق جرم، بزرگی یا کوچکی شخص حقوقی، سابقه مجرمانه، نقض دستور یا قرار قضایی و نیز کیفیات مخففه مانند داشتن برنامه تبعیت از قانون، پذیرش مسئولیت و همکاری در تحقیقات و ... آن را تعیین کند. مرحله سوم مربوط به تعیین ضریب حداقل و حداکثر جریمه با توجه به جدول مجرمیت است و در مرحله چهارم محدوده جریمه قابل اعمال مشخص می‌شود و سرانجام در مرحله پنجم مبلغ دقیق جریمه‌ای که شخص حقوقی باید در چهارچوب محدوده مذکور به آن محکوم شود، انتخاب و در حکم

۱. معیارهای جریمه مشخص شده در رهنمودهای کیفردهی به اشخاص حقوقی تنها در مورد برخی از جرائم فدرال که به صراحت در رهنمودهای ذکر شده است، قابل اعمال هستند. البته این جرائم در برگیرنده بسیاری از جرائم ارتکاب یافته اشخاص حقوقی همچون رشوه، کلاهبرداری، سرقت، پول‌شویی، جرائم ضد ترافیک، جرم‌های نقض امنیت سازمان و جرم‌های مالیاتی می‌باشند. بسیاری از جرائم که امکان ارتکاب آن از سوی اشخاص حقوقی متصور است مانند جرائم مربوط به نقض امور غذایی، دارویی و کشاورزی، جرائم زیست‌محیطی و ممانعت از اجرای عدالت را از زمره معیارهای جریمه نقدی حذف نموده است. جریمه‌های نقدی متناسب با برای چنین جرائمی را باید بر اساس مقررات عام حاکم بر مجازات در هر جرم تعیین کرد. این موضوع حکایت از این دارد که رهنمودها به‌رغم دقت بالا در تعیین جزای نقدی در جایی که خسارت وارده به صورت به صورت مالی باشد، در خسارات غیرمالی فاقد مبنا است (Gurner, 1994: 437).

دادگاه درج می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به شکایت ایالات متحده علیه شرکت دارویی فایزر اشاره کرد. شرکت مذکور به شکلی غیر قانونی و با محتوایی دروغین استفاده از چهار داروی خود را تبلیغ کرده بود که از آن جمله می‌توان به داروی ضد درد «بکسترا» اشاره کرد. این دارو برای شرکت فایزر برای درمان بیماری آرتروز تولید شد، اما این شرکت مدعی بود که یک مسکن است و بر روی برچسب و تبلیغات بازرگانی آن نیز به همین نکته اشاره شده بود. تولید این دارو در سال ۲۰۰۵ از طرف دولت آمریکا ممنوع شد. تخلفات شرکت مذکور تا سال ۲۰۰۹ به حدی زیاد شد که وزارت دادگستری آمریکا تصمیم گرفت پرونده‌های کیفری متعددی را علیه این شرکت و مدیران آن به جریان اندازد که در نهایت شرکت مذکور به ۲/۳ میلیارد دلار توسط دادگاه محکوم گردید.^۱ البته در برخی از موارد مجازات‌های تعیین شده با این روش به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد. به عنوان مثال می‌توان به پرونده شرکتی که زن و مردی اقدام به تولید مواد شوینده نامرغوب می‌کنند دادگاه شرکت آن‌ها را به یک میلیارد دلار جریمه نقدی محکوم کرد که بسیار بالاتر از توان شرکت تولید مواد شوینده بود^۲ و در مقایسه با شرکتی مانند فایزر قابل توجهی به نظر نمی‌رسد.

به موجب ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی ایران، جزای نقدی اشخاص حقوقی به میزان حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که برای ارتکاب جرم توسط شخص حقیقی تعیین شده است. این مقرر در مورد جرائمی که مجازات جزای نقدی تعیین نشده است، فاقد راهکار است و از سوی دیگر در بسیاری از موارد جزای نقدی تعیین شده برای شخص حقوقی بسیار اندک بوده که افزایش دو یا چهار برابری برای شخص حقوقی فاقد بازدارندگی لازم است؛ بنابراین می‌توان گفت که حقوق آمریکا در مورد تعیین جزای نقدی با توسل به مولفه‌های متعدد چون درجه تقصیر، زیان ناشی از جرم، میزان انطباق یا عدم انطباق‌پذیری اشخاص حقوقی با قانون و تلاش یا عدم تلاش آن‌ها برای ترمیم خسارت وارده تغییر یا تعدیل می‌یابد. این رویه از یک سو تعقیب هدف‌های مجازات به ویژه بازدارندگی و اصلاح (تغییر شیوه و سیاست) و حمایت از بزه‌دیده را ممکن می‌نماید و از سوی دیگر از فروپاشی

1. <https://www.alef.ir>

2. <https://www.nytimes.com/2019/2/billion-to-couple-in-roundup-weed-killer-cancer-trial>

و ورشکستگی اشخاص حقوقی به دلیل توجه به واقعیت‌های مالی آن‌ها جلوگیری می‌کند (شریفی، ۱۳۹۵: ۱۸۳).

۲-۱-۲. مصادره اموال

مصادره اموال جایگاه خود را با گذشت زمان در زرادخانه کیفری حفظ کرده است تا هم به عنوان مجازات به خدمت گرفته شده باشد و هم از گردش وسایل مضر و خطرناک در جامعه جلوگیری به عمل آورد (دلیر، ۱۳۹۰: ۲۰). مصادره اموال که به عنوان یکی از مجازات‌های اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است از جمله مجازات‌های درجه یک بوده که در ماده ۱۹ قانون مذکور مقرر شده و طبق ماده ۲۰، این مجازات در دو فرض اعمال می‌شود: انحراف از هدف مشروع نخستین یا این‌که فعالیت خود را منحصرأً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد. مصادره یا ضبط اموال نوعی مجازات عینی است که به استیلای دولت بر بخش یا تمامی اموال موجود در زمان ارتکاب جرم تعلق می‌گیرد (ولیدی، ۱۳۸۲: ۴۳۵). به طور کلی مصادره اموال در دو شکل عام و خاص تحقق می‌یابد. منظور از مصادره عام یا کلی، محرومیت محکوم از کلیه اموال خود اعم از نقدی و غیر نقدی است و منظور از مصادره خاص، مالکیت دولت بر بخشی از اموال و اشیایی است که به نحوی با جرم ارتكابی ارتباط دارند.

مصادره خاص را می‌توان ضمانت اجرایی ضروری، منصفانه و در جهت تعقیب هدف سزادهی، بازدارندگی (که می‌تواند به صورت پیشگیری وضعی و سلب فرصت مجرمانه بروز پیدا کند) و ناتوان‌سازی مجازات توصیف کرد (خالقی، ۱۳۸۰: ۱۲) و در مقابل، مصادره عام را جلوه‌ای از سخت‌گیری کیفری غیر عادلانه و ضمانت اجرایی نامناسب است (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱۷۱). به کارگیری مصادره عام که در ماده ۲۰ برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است دارای آثار سوء بوده و افراد بی‌گناه زیادی از تبعات سوء آن متأثر می‌شوند؛ بنابراین در نظام حقوقی آمریکا که از جمله نظام‌های پیش‌رو در عرصه شناسایی مسؤولیت کیفری به شمار می‌رود، حتی در حالتی که این اشخاص به منظور ارتکاب جرم تاسیس شوند و یا پس از تاسیس از مسیر قانونی منحرف شوند و فعالیت خود را به ارتکاب جرم تخصیص دهند، از ضمانت اجرای مصادره کل اموال استفاده نشده است (شریفی، ۱۳۹۴: ۳۰۰). به عنوان مثال در دعوی

ایالت متحده علیه شرکت یونیمکس به جهت توطئه برای پول‌شویی مواد مخدر، شرکت به جهت عدم ارائه گزارش تراکنش‌های ارزی و این که تمام اموال شرکت از راه پول‌شویی به دست آمده بود، به مصادره اموال محکوم شد؛^۱ شاید دلیل اصلی آن این است که اموالی که ناشی از جرم نباشد همچنان در تصرف مالک بوده و توجیه منطقی برای مصادره اموال مشروع متهم اعم از شخص حقیقی یا حقوقی وجود ندارد؛ در چنین وضعیتی که اشخاص حقوقی اصلاح‌ناپذیر نشان می‌دهند و دفع و طرد آن‌ها گریزناپذیر است، انحلال گزینه مناسبی به نظر می‌رسد (روح الامینی، ۱۳۸۷: ۱۵۱)؛ به این دلیل که ثبات و امنیت مادی و معنوی اجتماع صیانت شود و از حقوق و منافع طلبکاران، شرکا و سهام‌داران حمایت گردد. در نظام حقوقی آمریکا مصادره کل اموال پیش‌بینی نشده است و با توجه به ابعاد گسترده‌ای که این نوع مجازات می‌تواند بر فعالیت اشخاص حقوقی بگذارد و این اشخاص را از فعالیت اقتصادی باز دارد، از دیگر ضمانت اجرای کیفری برای مقابله با جرائم اشخاص حقوقی بهره گرفته شده است.

۳-۱-۲. محرومیت شخص حقوقی از دسترسی به اموال

از دیگر ضمانت اجرای بازدارنده و ناتوان‌ساز اشخاص حقوقی از ارتکاب جرم، سلب اختیار آن‌ها از دسترسی به اموال سازمان است. بر خلاف کشورهایمانند ایران و انگلستان که انحلال را برای شخص حقوقی پیش‌بینی کرده‌اند، نظام حقوقی آمریکا از این ضمانت اجرا بهره جسته است (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۱۶۸). هرچند که نمی‌توان کیفر مرگ را بر اشخاص حقوقی تحمیل کرد، ولی محروم کردن شخص حقوقی از دسترسی به اموال خود همانند کیفر مرگ برای وی است؛ زیرا زمانی که شخص حقوقی نمی‌تواند به اموال و دارایی خود دسترسی داشته باشد مانند این است که این شخص موجودیت خود را به طور کلی از دست داده و ناتوان از هرگونه اقدام می‌گردد (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۱۵۶).

رهنمودهای کیفر در نظام حقوقی آمریکا بیان می‌کند: در مورد «سازمانی که از ابتدا با هدف یا ابزاری مجرمانه اقدام کرده است»، حداکثر جریمه قانونی باید تعیین شود تا برای محرومیت شخص حقوقی از کلیه دارایی‌های خالصش کفایت

1. United States v. Unimax, Inc, 991 F. 2d 546 (9th Cir 1993)

کند (نصیری، ۱۳۹۵: ۱۷۰). به نظر می‌رسد محرومیت شخص حقوقی از دسترسی به اموال، ضمانت اجرای مستقلى نیست، بلکه دادگاه باید جزای نقدی را به میزان اموال و دارایی شخص حقوقی تعیین کند تا شخص حقوقی از دسترسی به اموالش منع شود. به عنوان مثال در پرونده ایالات متحده علیه شرکت بیمه سیگنا^۱ به جهت تقلب و انجام اعمال و صدور بیمه‌نامه‌های بر خلاف حقیقت، دادگاه جریمه نقدی معادل مجموع خسارت وارده به بیمه‌گزاران را در نظر گرفت و به همین میزان شرکت مذکور را از دسترسی به اموال خود منع کرد.^۲ در نظام حقوقی ایران چنین ضمانت اجرایی دیده نمی‌شود و در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی انحلال و مصادره کل اموال پیش‌بینی شده است. این نوع ضمانت اجرا که موجب اضمحلال شخص حقوقی می‌شود، جز در موارد نادر نباید به کار گرفته شود.

۲-۲. ضمانت اجرای پیشگیرانه

۲-۲-۱. تعلیق مراقبتی^۳

تعلیق مراقبتی که مختص نظام حقوق کیفری آمریکا است، هدف اصلاح و حمایت از بزه‌دیده را در کانون توجه خود قرار می‌دهد. چه بسا اجرای مجازات موجب انحلال یا حتی ورشکستگی شخص حقوقی شود و از این رهگذر خسارات جبران‌ناپذیری بر شرکا، سهام‌داران و طلبکاران شرکت وارد گردد. وجود چنین ضمانت‌اجراهایی که غیر مالی است، برای حمایت از اشخاص حقوقی و اصلاح فرهنگ مجرمانه آن‌ها می‌تواند موثر واقع شود. مطابق رهنمودهای کیفر^۴ در صورت وجود حداقل یکی از شروط زیر، دادگاه ملزم است ضمانت اجرای تعلیق مراقبتی را اعمال کند:

نخست، اگر چنین مجازاتی برای تضمین پرداخت خسارت، اجرای قرار جبرانی یا تضمین انجام خدمات اجتماع‌محور ضروری و لازم باشد. در این مورد علاوه بر این که فعالیت شخص حقوقی ادامه دارد، به نوعی تضمین می‌دهد که خسارت را جبران کند و یا در کنار فعالیت‌های شرکت، خدمات عام‌المنفعه نیز انجام

1. Cigna

2. United States v. Cigna, 17F 3d 303 (9th Cir2011)

3. Probation

4. United State Sentencing Commision:SE1.4

دهد. این امر علاوه بر بقای حیات شرکت، به نوعی حمایت از بزه‌دیده را نیز در بر دارد.

دوم، اگر سازمان به پرداخت جریمه نقدی مثلاً پرداخت خسارت، جریمه نقدی یا وضع مالیات ویژه از سوی دولت محکوم شده باشد، به منظور حمایت از شخص حقوقی از این جهت که بتواند ادامه فعالیت دهد، در زمان صدور حکم به طور کامل اعمال نمی‌شود؛ زیرا برخی از این مجازات‌ها می‌تواند ادامه فعالیت را برای شخص حقوقی سخت کند.

سوم، اگر در زمان صدور حکم شخص حقوقی دارای حداقل پناه کارمند باشد یا طبق قانون دارای یک برنامه موثر اصلاحی یا قانونی باشد، این شرط مانع از بیکار شدن پرسنل و مشکلات بعدی برای شخص حقوقی است یا این که مدیران شرکت رویه جرم‌زای شرکت را که موجب بروز جرم گردیده را شناسایی و در این زمینه برنامه اصلاحی را ارائه نمایند که در این صورت می‌توانند از مواهب این ضمانت اجرا برخوردار شوند.

چهارم، اگر اطمینان حاصل شود که با اجرای مجازات تعلیق مراقبتی، در آینده نرخ جرم کاهش یابد.

پنجم، در صورتی که برای تحقق یکی از اهداف مجازات‌های مقرر در بند ۱۸ از بخش (۲) (الف) ۳۵۵۳ مجموعه قوانین ایالات متحده، تعلیق مراقبتی ضرورت داشته باشد؛ که این اهداف می‌تواند اصلاح و حمایت از بزه‌دیده باشد.

اجرای تعلیق مراقبتی زمانی میسر می‌شود که جبران خسارت صورت گرفته باشد و در صورت عدم جبران خسارت با وجود هر یک از شروط فوق، امکان تعلیق مجازات میسر نیست. در این زمینه می‌توان به پرونده شرکت پرودنشیال سکوریتیز از شرکت‌های تابعه بیمه پرودنشیال اشاره کرد؛ شرکت مذکور در اکتبر سال ۱۹۹۴ بابت انتشار اعلامیه‌ها و بیان اظهارات نادرست و گمراه کننده مبنی بر این که مشارکت و همکاری با آن واحد، ایمن و بسیار سودآور است، موجب گردید تا سیصد هزار سرمایه‌گذار در سراسر کشور در هفتصد شعبه سرمایه‌گذاری کنند و برای جلوگیری از بیکار شدن هجده هزار نفر از پرسنل، دادگاه شرکت را مکلف به تاسیس یک صندوق تصفیه وجوه سیصد و سی میلیون دلاری کرد و در نتیجه از محکومیت شرکت با

استفاده از تاسیس فوق جلوگیری شد (Gibson, 2012: 123).

در نظام حقوقی ایران برای اشخاص حقوقی چنین ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است، ولی با توجه به پیش‌بینی نهاد تعلیق اجرای مجازات در مواد ۴۰ و ۴۶ قانون مجازات اسلامی، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات برای شخص حقوقی که به یکی از مجازات‌های مندرج در ماده ۲۰ قانون مذکور محکوم شده است فاقد اشکال می‌باشد. ممکن است ایراد شود که ماده ۴۰ قانون مذکور در بندهای الف، ب و ت صرفاً برای اشخاص حقیقی است و اشخاص حقوقی را در بر نمی‌گیرد؛ این ایراد وارد نیست؛ زیرا پیش‌بینی اصلاح مرتکب و وجود جهات تخفیف در مورد اشخاص حقوقی نیز امکان‌پذیر است؛ هرچند ضرورت دارد قانون‌گذار با پیش‌بینی این نوع ضمانت اجرای کیفری همانند نظام حقوقی آمریکا، در قانون مجازات اسلامی نهادهای ارفاقی از جمله تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم و مجازات‌های جایگزین را نیز برای این دسته از اشخاص به رسمیت شناسد.

۲-۲-۲. انتشار حکم محکومیت

انتشار حکم محکومیت از آن دسته ضمانت اجرای است که مطلقاً اشخاص حقوقی غیر تجاری و تجاری اعم از کم درآمد یا پر درآمد را در بر می‌گیرد. انتشار حکم دادگاه و جاهت و اعتبار اشخاص حقوقی را در نزد افکار عمومی سست می‌کند و آن‌ها را وادار می‌سازد جهت اعاده اعتبار پیشین، رفتار و شیوه مدیریت خود را اصلاح کنند. در مورد اشخاص حقوقی غیر تجاری که بر پایه ارزش‌های غیر مالی شکل گرفته‌اند، به طریق اولی ضمانت اجرای غیر مالی مانند انتشار حکم در رسانه‌های جمعی، در تزلزل اعتبار و نفوذ اجتماعی این اشخاص موثر است و آن‌ها را در تجدید سیاست‌های قانون‌شکنانه تحریک می‌کند (Schlegel, 1990: 38) و شریفی، ۱۳۹۴: ۳۱۵). اثر دیگر این ضمانت اجرا، آگاهی مصرف‌کنندگان، معامله‌کنندگان و عموم اشخاص در خارج و داخل کشور از محکومیت اشخاص حقوقی است تا امکان تنظیم روابط خود با آن‌ها را داشته باشند. طبیعی است که برخی اشخاص پس از اطلاع‌رسانی، به قطع رابطه اقدام می‌کنند و برخی دیگر به کاهش رابطه خود با اشخاص حقوقی مجرم دست می‌زنند و به همین دلیل، اهمیت این ضمانت اجرا کمتر از دیگر ضمانت اجراها نیست (Deckert, 2011: 172). به

این ترتیب می توان اجرای انتشار حکم دادگاه را تامین کننده هدف های سزادهی، بازدارندگی و اصلاح مجازات ارزیابی کرد.

نظام کیفری آمریکا با همین تلقی در مقرره های مختلف به اهمیت این واکنش و ضرورت استفاده از آن اشاره کرده است. طبق رهنمودهای کیفر ممکن است یک شخص حقوقی را به هزینه خود آن شخص و بنا به صلاحدید در رسانه مشخص شده توسط دادگاه، به انتشار ماهیت جرم ارتکاب یافته، واقعیت محکومیت آن، ماهیت مجازات اعمال شده و گام هایی که برای جلوگیری از ارتکاب جرائم مشابه برداشته خواهد شد، محکوم نماید.^۱ به عنوان مثال در پرونده یک شرکت نفتی، شرکت مذکور به دلیل تخلفات در حوزه نفت که منتهی به آلودگی محیط زیست شده بود، به جریمه نقدی و انتشار حکم در رسانه های جمعی محکوم شد. این موضوع از این حیث که اعتبار شخص حقوقی از بین رفته و می تواند منجر به از دست دادن بازار رقابت شود، مفید خواهد بود (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۱۵۸).

در نظام حقوق کیفری ایران زمانی می توان حکم به انتشار حکم محکومیت داد که شخص حقوقی به مجازات دیگری غیر از انتشار حکم محکوم شده باشد (مصدق، ۱۳۹۲: ۱۰۰)؛ وگرنه حکم به انتشار مجرمیت موجه نیست. از سوی دیگر، انتشار حکم محکومیت شخص حقیقی چون مجازات مضاعفی محسوب می شود، با عدالت سازگار نیست.

مطابق ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی: «انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه های ملی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر می شود...»؛ از این رو قانون مجازات اسلامی جرائم اقتصادی را احصا کرده و قانون گذار شیوه انتشار حکم را بیان کرده و آن عبارت است از: قطعیت حکم، بیش از یک میلیارد ریال بودن موضوع جرم و انتشار حکم در رسانه ملی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار. گستره بسیاری از جرائم اشخاص حقوقی در قالب این دسته از جرائم جای نمی گیرد و از شمول ماده ۳۶ قانون مذکور خارج است. همچنین به طور دقیق مشخص نیست که این مجازات باید در روزنامه کثیرالانتشار یا روزنامه محلی و در

1. United States Sentencing Commission:8D1.4

چند نوبت انتشار یابد. رسانه نیز همان‌طور که بیان شد، دارای مصادیق متعدد است و مواردی شامل رادیو، تلویزیون و حتی فضای مجازی را در بر می‌گیرد. پس جهت جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص حقوقی، ضرورت اصلاح قانون در این خصوص احساس می‌شود. مناسب است همانند نظام حقوقی آمریکا، انتشار حکم در رسانه و تعیین نوع مصداق آن، بسته به گستره فعالیت شخص حقوقی در اختیار دادگاه باشد و تحمیل هزینه‌های ناشی از انتشار نیز بر شخص حقوقی مرتکب جرم تحمیل شود.

۳-۲. ضمانت اجرای جبرانی

۱-۳-۲. اصلاح وضعیت جرم‌زا و خدمات اجتماعی

اصلاح وضعیت جرم‌زا ضمانت اجرای نوینی است که در برخی کشورها از جمله انگلستان و آمریکا با هدف پیشگیری از تکرار جرم و تامین هدف اصلاح و بازپروری مجازات نسبت به اشخاص حقوقی مورد اقبال قرار گرفته و به‌بوته آزمایش برده شده است. این دسته از مجازات‌ها امتیازات ویژه‌ای دارند؛ از این حیث که: بر کلیه اشخاص حقوقی غیر تجاری و تجاری قابل اعمال است؛ از تسری آثار جرم ارتكابی به دیگر افراد و شرکا که در ارتكاب جرم دخیل نبوده‌اند پیشگیری می‌شود؛ برخلاف جریمه نقدی، مؤید آن است که جرم و مجازات اشخاص حقوقی قابل خرید نیست و جامعه در مورد آن‌ها تسامحی ندارد؛ و همچنین موجب تنویر افکار عمومی از وضعیت اشخاص حقوقی به منظور تنظیم رابطه خود با آن‌ها می‌شود (Fiss, 1990: 236).

نظام کیفری آمریکا با پیش‌بینی دوره یک تا پنج ساله و با بهره‌گیری از اصول راهنمای تعیین کیفر، زمینه را برای تحقق شرایط مذکور را فراهم کرده است. در پرونده آرمکو استیل^۱، شرکت قطعه معیوبی را به شرکت خودروسازی فروخت که موجب ورود آسیب به سرنشینان یک خودرو در زمان خطر شد. هر دو شرکت علاوه بر جبران خسارت، به اصلاح وضعیت جرم‌زا محکوم شدند. این ضمانت اجرا موجب شد علاوه بر حفظ بقای شرکت خودروسازی و آرمکو استیل و جلوگیری از بیکاری پرسنل و کارمندان این شرکت‌ها، وضعیت معیوب خودرو مرتفع و مجدد

1. Armco Steel

شرکت به چرخه صنعت بازگردد (Miriam, 2010: 19). پرونده دیگر در این حوزه، پرونده ایالات متحده علیه برخی شرکت‌های نفتی بزرگ از جمله اکسون موبیل است. این شکایت که در دادگاه عالی در سانفرانسیسکو تنظیم شد، به منظور جلوگیری از خطرات احتمالی است که این شرکت‌ها می‌توانند برای آب و هوای منطقه ایجاد کنند و لذا از دادگاه خواستار جابه‌جایی شرکت‌های مذکور به دلیل ارتکاب جرائم زیست‌محیطی گردیدند. نماینده شرکت مذکور در پاسخ به شکایت اعلام کرد که تصمیم در این خصوص بر عهده کنگره است و نه دادگاه، اما کماکان پرونده در جریان رسیدگی است. این موضوع گویای این امر است که اصلاح وضعیت جرم‌زا، از ضمانت اجرای موثر در نظام حقوقی آمریکا بوده که افراد می‌توانند در شکایت خود آن را از دادگاه بخواهند. در نظام حقوقی ایران این نوع ضمانت اجرا و امکان اصلاح رویه غلط شرکت وجود ندارد؛ همچنان که هر روزه تعداد قابل توجهی از سرنشینان خودروهایی داخلی دچار حوادث ناگوار می‌شوند که امکان رفع ایرادها از شرکت‌های خودروسازی داخلی فراهم نمی‌باشد (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۱۶۷).

خدمات اجتماعی رایگان^۱ از دیگر ضمانت‌های اجرایی است که از سوی نظام‌های کیفری چون آمریکا به عنوان شرط تعلیق مجازات به منصفه اجرا گذاشته شده است. برابر رهنمودهای تعیین مجازات ایالات متحده، دادگاه‌ها باید اشخاص حقوقی را با توجه به مهارت، تخصص و امکاناتی که دارند، به انجام خدمات اجتماعی مرتبط با آسیب‌های ناشی از جرائم خود محکوم کنند (Doyle, 2013: 29). به عنوان مثال می‌توان به رای دادگاه فدرال آمریکا در خصوص محکومیت شرکت ریلی بی.ان.اس.اف که در حادثه واژگونی قطار حامل محموله نفتی، آلودگی زیست‌محیطی ایجاد کرده بود اشاره کرد. در این حکم چهارصد میلیون دلار جریمه پیش‌بینی شد که بخشی از این مبلغ به منظور برطرف کردن کامل آلاینده‌ها از منطقه و به‌سازی منطقه مورد آسیب اختصاص یافت (Coffee, 2020: 219). در حقوق کیفری ایران از ضمانت اجرای خدمات اجتماعی به عنوان مجازات جایگزین حبس اشخاص حقیقی نام برده شده است، اما در مجازات اشخاص حقوقی نشانی از آن دیده نمی‌شود.

1. United States Sentencing Commission: 8B1.3

۲-۳-۲. دیه^۱

هر یک از نظام‌های حقوقی به نحوی در صدد جبران خسارت‌های وارده بر بزه‌دیده می‌باشند. جبران خسارت یک ضمانت اجرای کیفری محسوب نمی‌شود، ولی از آن‌جا که خسارت از ارتکاب جرم ناشی شده، بسیاری از قانون‌گذاران کشورها، جبران خسارت بزه‌دیده را شرط استفاده از نهادهای ارفاقی دانسته‌اند. نظام کیفری آمریکا بیش از دیگر نظام‌های حقوقی به جبران خسارت کیفری تمایل نشان داده است. مطابق رهنمودهای تعیین کیفر ایالات متحده، دادگاه می‌تواند جبران خسارت کیفری را به عنوان شرط تعلیق مجازات و همچنین در قالب ضمانت اجرایی مستقل مورد توجه قرار دهد. در رهنمود تعیین کیفر، صدور قرار جبران خسارت از سوی دادگاه در مواردی که خسارتی به بزه‌دیده وارد می‌شود الزامی است.^۲ مطابق رهنمودهای موجود، همه سازمان‌های محکومیت یافته، صرف نظر از تقصیر خود ملزم به پرداخت خسارت به منظور اصلاح تمام صدمات و آسیب‌های ناشی از جرم هستند (نصیری، ۱۳۹۵: ۱۵۸). در این خصوص می‌توان به پرونده شرکت فیلم سازی رابرت دو نیرو^۳ اشاره کرد که شرکت به لحاظ تبعیض جنسیتی مجرم شناخته شد و دادگاه شرط تعلیق مجازات را جبران خسارت طرف قرارداد برشمرد. شرکت نیز نتوانست رضایت شاکی خصوصی را جلب کند و در نهایت به پرداخت ۱/۲ میلیون دلار جریمه نقدی محکوم شد (نیکومنظری، ۱۴۰۰: ۲۲۲).

در نظام کیفری ایران دیه به عنوان یک مجازات پیش‌بینی شده است و علاوه بر مجازات، واجد وصف جبران خسارت نیز می‌باشد. این موضوع تا سال ۱۳۹۲ در مورد اشخاص حقوقی دارای وضعیتی مبهم بود و برخی محاکم پرداخت دیه در مورد اشخاص حقوقی را نمی‌پذیرفتند و شخص حقیقی را مسؤول می‌دانستند (شریفی،

۱. هر چند که ارتکاب جرائم عمدی منتهی به آسیب از جانب اشخاص حقوقی نامحتمل و بعید به نظر نمی‌رسد، اما حتی در صورت وقوع این گونه جنایات، صرفاً می‌توان اشخاص حقیقی درگیر که به طور مستقیم مرتکب این گونه جرائم شده‌اند را مستوجب کیفر قصاص دانست و تنها زمانی می‌توان به دیه استناد کرد که مجازات اصلی جرم ارتكابی، دیه باشد (کاظمی و چگینی، ۱۴۰۲: ۳۳۲).
۲. البته در مواردی که شخص حقوقی پیش‌تر خسارت بزه‌دیده را جبران کرده باشد یا تعداد بزه‌دیدگان زیاد باشد و رسیدگی به موضوع خسارت آن‌ها موجب تطویل تعیین مجازات شود و یا موضوع پرونده پیچیده ارزیابی شود، صدور چنین قراری الزامی نیست (United States Sentencing Commission 9c1).

3. Robert de niro

۱۳۹۴: ۶۱). تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی به خلاف رویه سابق، یک ضابطه کلی وضع کرده است و بیان می‌دارد: «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارات وارده احراز شود، دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود. اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ خواهد بود». برای مثال در شرکت‌های ترابری زمینی، دارندگان وسایل نقلیه مکلف هستند برای اطمینان از بی‌عیب و نقص بودن اتوبوس‌های خود، هر دوره با مراجعه به مراکز معاینه فنی، برچسب معاینه دریافت کنند. حال اگر به علت نقص فنی خودرو (نه تقصیر راننده یا شخص ثالث)، اتوبوس واژگون شود و سرنشینان آن آسیب و خسارت ببینند، شخص حقوقی از باب تسبیب ضامن است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۷۱). پرداخت دیه حسب مواعد مربوط به پرداخت دیه بوده و از این حیث، تفاوتی بین اشخاص حقیقی و حقوقی نیست. در این زمینه می‌توان به پرونده ۱۴۰۰۹۱۳۳۰۰۰۴۳۲۵۱۵۶ دادگستری شهریار اشاره کرد که دادگاه شهرداری را با توجه به عدم نصب پلاکارد در اطراف رودخانه برای هشدارهای لازم در این زمینه، به پرداخت دیه دو کودک که در حین شنا غرق شده بودند محکوم کرد و با پرداخت دیه اولیای دم از سوی شهرداری و اخذ رضایت آنان، مجازات شخص حقوقی تعلیق شد.

نظام حقوقی آمریکا جبران خسارت را امری الزامی دانسته، اما در نظام حقوقی ایران غیر از دیه که به نوعی مجازات است، در سایر موارد دادگاه الزامی به تعیین خسارت ندارد؛ از آن‌جا که جرائم شخص حقوقی می‌تواند تعداد قابل توجهی از افراد را تحت تاثیر قرار دهد، بهتر است نظام حقوقی ایران همانند آمریکا، به پرداخت خسارت شخص حقوقی نگاه ویژه‌ای داشته باشد.

برآمد

۱- ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده در نظام حقوق کیفری امریکا به سه دسته جبرانی، پیشگیرانه و تنبیهی تقسیم می‌شود. به‌رغم تنوع واکنش‌های کیفری قابل اعمال بر اشخاص حقوقی، جزای نقدی مرسوم‌ترین ضمانت اجرایی است که از سوی نظام کیفری امریکا مورد پذیرش قرار گرفته است. ضمانت اجراهای جبرانی که در نظام حقوق کیفری امریکا شامل جبران خسارت، اصلاح وضعیت جرم‌زا و خدمات رایگان می‌شود، در حقوق کیفری ایران فاقد پیشینه است و فقط در مورد دیات تا حدی قابل هم‌پوشانی با موضوع جبران خسارت در حقوق آمریکا است؛ از این رو وجود چنین ضمانت‌های اجرایی با توجه به گستردگی جرائم اشخاص حقوقی می‌تواند موجبات دغدغه عمومی جهت جبران خسارت را مرتفع کند. ضمانت‌های تنبیهی نظیر مصادره اموال و جلوگیری از دسترسی به اموال شخص حقوقی است. در حقوق آمریکا مصادره کل اموال پذیرش نشده است، بلکه اموالی که از جرم تحصیل شده است مصادره می‌شود. به نظام کیفری ایران از این حیث که مصادره کل اموال را مجاز دانسته، قابل ایراد است.

۲- نهاد جلوگیری از دسترسی شخص حقوقی به اموال خود در نظام حقوق کیفری آمریکا با تسامح قابل انطباق با انحلال است. آمریکا تعلیق مراقبتی به شرط جبران خسارت را یکی از شقوق مجازات‌های شخص حقوقی برشمرده است، ولی در قانون ایران چنین ضمانت‌های اجرایی برای اشخاص حقوقی پیش‌بینی نشده است.

۳- با بررسی نظام حقوقی آمریکا، در جهت اصلاح قوانین ایران در ارتباط با اشخاص حقوقی، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

نخست، تعیین میزان جزای نقدی اشخاص حقوقی بر مبنای گردش مالی سالانه یا با تدوین اصول راهنمای تعیین کیفر و لحاظ مواردی از قبیل سطح جرم و نمره مجرمیت؛

دوم، اصلاح مصادره کل اموال به مصادره اموال ناشی از جرم در راستای جلوگیری از تضرر بی‌جهت اشخاص ثالث، شرکا و سهام‌داران شخص حقوقی؛

سوم، پیش‌بینی اصلاح وضعیت جرم‌زا به منظور ارتقا سطح کیفی شخص حقوقی؛

چهارم، پذیرش مجازات خدمات عمومی رایگان؛
پنجم، پیش‌بینی تعلیق مراقبتی برای شرکت متخلف با هدف جلوگیری از انحلال آن و آثار ناشی از انحلال.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف. فارسی

- * احمدی موحد، اصغر (۱۳۸۷)، اجرای احکام کیفری، چاپ سوم، تهران: میزان.
- * اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ سی و دوم، تهران: میزان.
- * پوربافرانی، حسن و سیفی، مهدی (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی مجازات اشخاص حقوقی»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۹.
- * توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، چاپ نخست، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه،
- * جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۱)، «سزاگرایی در فلسفه کیفر»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۱.
- * خالقی، سمیرا (۱۳۸۰)، سنجش و ارزیابی انواع روش‌های پیشگیری از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- * دادبان، حسن و آقایی، سارا (۱۳۸۸)، «بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم»، فصل‌نامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۳.
- * دلیر، حمید (۱۳۹۰)، حقوق مصادره، چاپ نخست، تهران: میزان.
- * شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۱)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: مجد.
- * طباطبایی حصار، نسرین و صفی‌زاده، سروش (۱۴۰۲)، «شرکت‌های کاغذی و راهکارهای مقابله با آن در پرتو آسیب‌شناسی نظام ثبت شرکت‌ها»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۲۴.
- * شریفی، محسن (۱۳۹۴)، مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، چاپ نخست، تهران: میزان.
- * شریفی، محسن (۱۳۹۵)، «معیارهای تعیین جزای نقدی اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران، آمریکا و انگلستان»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۱۳.
- * کاظمی، سیدسجاد و چگینی، حامد (۱۴۰۲)، «قرارهای تامین کیفری و نظارت قضایی اشخاص حقوقی تهدیدی جدی علیه تضمین حقوق بزه‌دیده»، مجله حقوقی

دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۱.

* مصدق، محمد (۱۳۹۲)، شرح قانون مجازات اسلامی با رویکرد کاربردی، چاپ نخست، تهران: جنگل.

* مصدق، محمد (۱۳۹۹)، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ نخست، تهران: جنگل.

* میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۰)، حقوق جزای عمومی ۲ مسئولیت کیفری، چاپ نخست، تهران: دادگستر.

* موسوی مجاب، سید درید و رفیع‌زاده، علی (۱۳۹۴)، «ضمانت اجرای اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۹.

* مهر، نسرين (۱۳۸۷)، «نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز»، مجله فقه حقوق، سال چهارم، شماره ۱۶.

* مهر، نسرين (۱۳۸۹)، «رهنمودهای تعیین مجازات در انگلستان و ولز»، فصل‌نامه حقوق، دوره ۴۰، شماره ۳.

* مهر، نسرين (۱۳۸۶)، «کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری در انگلستان با تکیه بر کارکردهای کیفر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۵، ۱۳۸۶، ص ۸۶-۴۹.

* نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، کیفرشناسی نو، جرم شناسی نو: درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار، تازه‌های علوم جنایی، چاپ نخست، تهران: میزان.

* نصیری، علیرضا (۱۳۹۵)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

* نیکومنظری، امین (۱۴۰۳)، اصول حاکم بر مجازات اشخاص حقوقی، تهران: دادگستری استان تهران.

* نیکومنظری، امین (۱۴۰۰)، «ضمانت اجرای اشخاص حقوقی با تکیه بر کارکردهای کیفری در نظام‌های حقوقی ایران، آمریکا و انگلستان»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال دوازدهم، شماره ۱.

* نیکومنظری، امین (۱۴۰۳)، «قابلیت انطباق مجازات اشخاص حقوقی با اصول سستی حاکم بر مجازات‌ها در نظام حقوقی ایران با رویکردی به نظام‌های کیفری

آمریکا و انگلستان»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال پانزدهم، شماره ۱.
* ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۲)، **بایسته‌های حقوق جزای عمومی**، چاپ نخست، تهران: خورشید.

ب. انگلیسی

- * Abrams Norman Et Al., **Federal Criminal Law And its enforcement**. 5th ed, 2010.
- * Balcher,A, **Imagining How a Company Thinks: What is Corporate Culture?**, Deakin Law 11,1, 2006
- * Cavadino,M & Dignan, J, **The Penal system: An Introduction**, 3rd edn, London, 2002.
- * Cohen James S, **Corporate Crime and Punishment: An Update on Sentencing Practice in the Federal courts**, 1988-1990, 71 B.U.L.REV., 1991.
- * Clark, B & Lansford, **A Re- Brith of Corporate Killing?** Lessons From American in a New Law For Scotland, 2005.
- * Cofee, John C, JR, **Corporate Crime and punishment**, Berrett-Koehler Publisher, Inc, 2020.
- * Doyle, C, **Corporate Criminal Liability: An Overview of Federal Law**, **Congeressional Research Service**, Octobr30, 2013.
- * Deckert, K, **Corporate Criminal Liability in France**, in Pieth, Mark Pieth & Ivory, Radha, **Corporate Criminal Liability**, Springer, 2011.
- * Fiss, B, **Sentencing Ootion Against Corporations**, **Criminal Law Fourm**, 1, 1990.
- * Foerchler Ann, **Corporate criminal intent: Toward a Better Understanding of Corporate Miscinduct**, **California Law Review**, 1990.
- * Gruner, Richard, **Corporate Crime and Sentencing**, 1st ed, 1994.
- * Gibson, Dunn, **Corporate Deferred Prosecution and Non-Pros-**

ecution Agreement, Jan 4, 2012.<http://www.lexology.com/library/>.

* Ilene H. Nagel, **Structuring Sentencing Discretion: The New Federal Sentencing Guidelines**, 80 J. CRIME. L and Criminology, 1990.

* Millington, T & Sutherland W, **The Proceeds of Crime: Law and Practice of Restraint, Confiscation, Condemnation and Forfeiture**, Secind Edition, Oxford University, 2007.

* Miriam H. Bear, **Organization Liability and The Tension between Corporate and Criminal Law**, 19J.L and POLY1, 2010.

* Schlegel, K, **Just Deserts for Corporate Criminal**, Boston: North-eastern University Press, 1990.

* Wells, C, **Corporate Criminal Responsibility**, Published in the Book of Research Hand book on Corporate Legal Responsibility, Edited By Steeohen Tully, Law Department London School of Economics and Political Science, UK, 2005.